

مبنای تفاوت مجازات‌ها و اجرای آن‌ها بر اساس معیار جنسیت

مریم نظر زاده

دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و تحقیقات واحد اراک

چکیده

جنسیت به شکل‌های مختلفی در حقوق کیفری ایران تأثیرگذار بوده است به طوری که باعث ایجاد تفاوت‌هایی در حقوق زن و مرد شده است. در این پایان‌نامه تلاش بر این است که مبنای این تأثیرگذاری و تفاوت‌گذاری در قوانین ماهوی و شکلی با توجه به اینکه قوانین جزایی ایران عمدتاً از فقه اسلامی گرفته شده است مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. اما بخش عمده‌ای از این پایان‌نامه، بر تفاوت‌گذاری‌هایی که نسبت به زنان، منفی و غیرطبیعی به نظر می‌رسد متمرکز شده است. از جمله تفاوت در سن مسؤلیت کیفری پسران و دختران و یا در خصوص میزان و نحوه اعمال مجازات‌های جنایات عمدی و غیرعمدی از جمله جنایات بر نفس (قتل) و جنایات بر اعضا و در همین زمینه به بررسی ماده‌ی 630 قانون مجازات اسلامی که در آن قانون‌گذار قتل زن توسط همسرش را موجبی برای اعمال مجازات اصلی (قصاص) مرد نمی‌داند پرداخته‌ایم و در همین راستا به بررسی ماده 220 قانون مجازات اسلامی در پی یافتن علت معافیت پدر از مجازات اصلی (قصاص) در خصوص قتل عمدی فرزند و عدم استحقاق مادر در استفاده از این معافیت بوده‌ایم. با عنوان تأثیر جنسیت در نظام کیفری به بررسی ارتباط و تأثیر جنسیت در نظام کیفری ایران و نیز ذکر جرم انگاری‌های ویژه می‌پردازیم. با عنوان تأثیر جنسیت و مبنای آن بر تعیین کیفر اختصاص دارد و به بیان تفاوت‌گذاری‌ها و مبنای آن در میزان و نحوه‌ی اعمال مجازات‌ها. آثار سوء مرتبط بر آنها را بررسی می‌کنیم. با عنوان تأثیر جنسیت در مرحله‌ی اجرای مجازات‌ها به بررسی تفاوت‌ها در اجرای احکام کیفری و در پایان سعی نموده‌ایم به نتایج و راهکارها در خصوص مباحث مربوطه بپردازیم. لازم به ذکر است اگر در مباحث طرح شده در تحقیق نقد و نظری نسبت به مبانی فقهی و نظریات رایج میان فقها به عمل آمده و یا به اسناد بین‌المللی استناد شده منظور تخطئه احکام شرعی و پذیرش بی‌قید و شرط مقررات بین‌المللی نیست. هدف عمده نقد مقررات و رویه‌های نادرست و ضرورت تحول و اصلاح قانون با عنایت به مقتضیات زمان و مکان می‌باشد.

کلید واژگان: جنسیت، تفاوت، مردان، زنان، مجازات، اجرای احکام مجازات

مقدمه

جنسیت واقعی انکارناپذیر در نظام آفرینش بوده که انسان‌ها را از همان اول خلقت به دو گروه زن و مرد تقسیم کرده، این تمایز دیرینه از یک سو پایه‌گذار زنجیره‌ی حیات بشری و از سوی دیگر زمینه‌ساز رویارویی و مقایسه است که اتمام آن هیچگاه فرا نخواهد رسید. اصل 19 و 30 قانون اساسی ایران به پیروی از اصول علمی حقوق، به تساوی افراد در برابر قانون، اشاره دارد. اغلب قوانین و مقررات جزایی با عبارت هرکس شروع می‌شود که دارای معنای عام بوده و مختص یک جنس نیست، لذا افراد اعم از زن و مرد اگر مرتکب جرم شوند مطابق قانون بطور یکسان مجازات خواهند شد، و بنا به اصل شخصی بودن مجازات‌ها پاسخگوی اعمال مجرمانه خواهند بود. با توجه به این که مهمترین هدف از اعمال مجازات‌ها اصلاح بزهکار و باز اجتماعی کردن اوست، قضات با در نظر گرفتن شدت و نحوه‌ی جرم ارتكابی و اوضاع و احوال حاکم بر شرایط و نیز شخصیت مجرم سعی در متناسب کردن جرم و مجازات و به عبارت دیگر اعمال اصل فردی کردن مجازات‌ها را دارند که قانون‌گذار حدود و ثغور مجازات‌ها را با بیان کیفیات مخففه و مشدده جرم تعیین نموده، با این حال اصل تساوی بستری نظری است تا عملی، اصل تساوی را شرایط گوناگون شخص مجرم موقعیت اجتماعی او خلق و خوی خاص و افکار عمومی و بسیاری مسائل دیگر محدود می‌کند. به طور کلی ممکن است سرنوشت دو مجرم که جرم واحدی را مرتکب شده‌اند در دو شعبه‌ی دادگاه کیفری تفاوت چشمگیری داشته و مجازات‌های متفاوتی را متحمل شوند، به طور مثال نژادگرایی و اعتقادات مذهبی تابعیت و موقعیت اقتصادی و اجتماعی مجرم می‌تواند از عوامل قانونی تأثیرگذار بر تصمیمات قضایی و تعیین مجازات باشد. در چند دهه‌ی اخیر تلاش‌های بین‌المللی زیادی در این زمینه صورت گرفته و منجر به تدوین اسناد بین‌المللی متعددی گردیده و به امضا و تصویب دولت‌ها رسیده و آنان را متعهد ساخته که در وضع قوانین و مقررات و رویه و رفتار عملی تفاوت بر اساس جنسیت را کنار گذاشته و صرفاً بر اساس تفاوت‌های طبیعی میان زنان و مردان و اقتضانات آن در انجام وظایف و تکالیف به تفاوت‌گذاری بپردازند. به طور کلی احکام کیفری تحت تأثیر دو دسته از متغیرها قرار دارند: 1- متغیرهای قانونی: که قانون حدود آنها را در تعیین احکام کیفری و مجازات مشخص کرده. 2- متغیرهای فرا قانونی: که بدون تصریح قانون‌گذار بر تصمیمات قضایی تأثیرگذار است و توسط قاضی رسیدگی کننده مورد لحاظ قرار می‌گیرد. از جمله جنسیت مجرم گرایش و اعتقادات مذهبی، تابعیت، نژاد، موقعیت اقتصادی و اجتماعی مجرم و غیره. جمهوری اسلامی ایران هرچند هنوز کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان را تصویب نکرده است ولی با عضویت و پذیرش بدون قید و شرط میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و قبل از آن پذیرش منشور ملل متحد و دادن رای مثبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر که جملگی رفع تبعیض و تفاوت و لغو و اصلاح این گونه مقررات تأکید دارند از این حیث تعهد بین‌المللی دارد. علی‌رغم تمام این مسائل در قوانین ایران و خصوصاً در قانون مجازات اسلامی تفاوتی بر مبنای جنسیت زنان و مردان وجود دارد، که بررسی آنها حائز اهمیت است. وظیفه شرعی و انسانی هر متفکر و بخصوص حقوق‌دانان از یک سوی و از سوی دیگر لازمه اقتصادی رشد و توسعه کشور و تعهدات بین‌المللی ایجاب می‌کند که در مقام اصلاح قوانین برآمد به خصوص اینکه در سال‌های اخیر این مسئله موجب موضع‌گیری بیگانگان نسبت به دین مبین اسلام بوده و لازم است با بررسی دقیق این مقررات فلسفه و تکیه بر حکمت آنها، بر خلاف آنچه در ظاهر مشهود است، دیدگاه واقعی اسلام را در این خصوص پیدا کرد، در این پایان‌نامه سعی خواهد شد که برخوردهایی که یک زن ممکن است با مجازات مختلف داشته باشد حتی‌الامکان مورد بررسی قرار گرفته و به بحث گذاشته شود. بنابراین آن قسمت از مجازات که جنسیت افراد در آن تأثیر ندارد و در مورد همه اعم از زن و مرد یکسان است موضوع بحث نخواهد بود. تأثیر جنسیت در علوم جنایی را در دو مقوله‌ی مجزا می‌توان بررسی کرد، مقوله‌ی اول مرتبط با جرم‌شناسی بوده و از تفاوت‌های موجود در بزهکاری مردان و زنان و علل آن مباحثی مطرح می‌شود، اما در مقوله‌ی دوم بحث از تفاوت‌های مجازات بین زنان و مردان است که به نظر می‌رسد، مطلب در سه مبحث قابل بررسی است این تمایزات را در سه دسته می‌توان خلاصه نمود: تفاوت در نوع و میزان مجازات، تفاوت در معافیت از مجازات و تفاوت در اجرای مجازات. در این پژوهش بیان خواهیم کرد تفاوت‌هایی در

حد زنا، همجنس بازی، قوادی و ارتداد بین زنان و مردان وجود دارد؛ به علاوه برای مردان در برخی جرایم معافیت‌هایی پیش‌بینی شده است؛ همچنین در اجرای مجازات‌ها برای زنان تخفیفاتی در نظر گرفته شده است. آیا این تفاوت‌ها معارض با اصل تساوی افراد در برابر قانون و در نتیجه غیرعادلانه است؟ یا برعکس مبنای منطقی و علمی دارد؟ در این پایان‌نامه سعی خواهد شد بر اساس ادله عقلی، اصول و مفاهیم شناخته شده در حقوق کیفری به این موضوع پرداخته شود. در انتها ضمن نقد و بررسی حقوقی، خلأهای قانونی بیان شده است. البته این پژوهش درصدد توجیه مقدار این تفاوت نیست؛ بلکه اصل تفاوت مورد بررسی قرار خواهد گرفت. با توجه به اینکه در بسیاری از قوانین و مقررات کیفری جنسیت مجرم لحاظ نشده در این پایان‌نامه سعی شده است تا روشن شود که آیا جنسیت مجرم به عنوان یک عامل فرا قانونی اصل تساوی مجازات‌ها را محدود می‌کند و بر تصمیمات قضایی به خصوص قرارها و احکام کیفری تأثیرگذار است یا خیر و دیگر اینکه مبنا و معیار این تفاوت‌ها از کجا نشأت می‌گیرد و از لحاظ علمی و منطقی قابل توجیه می‌باشد یا خیر. لذا بررسی مبنا و معیار تفاوت مجازات‌ها و اجرای آنها بر اساس معیار جنسیت موضوع این پژوهش می‌باشد که قصد پردازش آن را خواهیم داشت.

سوالات تحقیق

- 1- در قانون مجازات اسلامی تفاوت‌هایی در تعیین کیفر و اجرای آن بین زن و مرد وجود دارد آیا این تفاوت‌ها مبنای علمی و منطقی دارد؟
- 2- آیا وجود تفاوت‌ها ناقض اصول اساسی حقوق کیفری، بویژه اصل تساوی افراد در برابر قانون، نمی‌باشد؟
- 3- آیا وجود تفاوت‌ها در تعیین کیفر و اجرای آن می‌تواند در راستای اصل فردی کردن کیفر قابل توجیه باشد یا خیر؟

فرضیه‌های تحقیق:

- 1- تفاوت‌هایی در تعیین کیفر و نحوه اجرای آن بین زن و مرد وجود دارد که اکثراً مبنای مصلحت‌اندیشی و جامعه‌مداری دارد.
- 2- وجود این تفاوت‌ها ناقض اصل تساوی افراد در مقابل قانون می‌باشد که منشأ بسیاری از تبعیض‌ها را در جامعه فراهم می‌آورد.
- 3- وجود تفاوت‌ها در تعیین کیفر می‌تواند در بعضی موارد مخالف اصل فردی کردن مجازات‌ها باشد چرا که این تفاوت‌ها می‌تواند ضرر را به کسی جز متهم وارد کند.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

خواستگاه دین اسلام کرامت انسان‌ها و احترام گذاشتن به حقوق آنها می‌باشد و صیانت و حفاظت از شخصیت و عزت و بشریت در صدر اهداف اسلام می‌باشد. و از آنجا که یکی از اهداف مجازات باید اصلاح و باز اجتماعی کردن بزهکار باشد. برای رسیدن به این هدف باید مجازات‌ها از بنیان علمی و عقلی برخوردار باشند و بر اساس اصل تساوی انسان‌ها برای همه باید یکسان باشند. بدون هیچگونه تبعیض اعم از نژادی، جنسی و غیره. لذا تفاوت در مجازات‌ها بدون دلیل علمی و ادله منطقی، مبنا و معیار مشخص از نظر حقوق جزا و بدون توجه به مصالح عالی انسان‌ها موجب نوعی گسستگی و بی‌علاقگی بشریت از اسلام و بی‌اعتماد و نامشروع و غیر عادلانه بودن از دیدگاه حقوق بشر و عرف بین‌المللی و منجر به محکومیت ایران به نقض حقوق بشر می‌باشد که ما در این راستا به بررسی این موضوع در حقوق کیفری ایران می‌پردازیم تا ان‌شاءالله برای دستگاه عدالت کیفری و نهاد قانون‌گذاری و دستگاه قضایی کشور مفید واقع شود.

شرح روش میدانی، کتابخانه‌ای

روش تحقیق در نگارش این پایان‌نامه بدین صورت است که با مطالعه و بررسی پیرامون آراء علما و فقهای اسلام و حقوق دانان کیفری و تجزیه و تحلیل نظرات آنها به نتایج روشن و صحیحی دست یابیم و با توجه به آثار مثبت و منفی تفاوت در مجازات‌ها و اجرای آنها در هر مورد دیدگاه موافقین و مخالفین مورد امعان نظر قرار بگیرد و همچنین روش گردآوری اطلاعات مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و توصیفی بوده و گردآوری اطلاعات از طریق فیش‌برداری صورت می‌گیرد.

اهداف مشخص تحقیق

- 1- مطالعه و بررسی پیرامون آثار فردی و اجتماعی ناشی از تفاوت در اجرای مجازات‌ها برای دستیابی در جهت حفظ و صیانت از جامعه و عادلانه کردن و برابری در اجرای مجازات‌ها.
- 2- با توجه به اینکه قانون مجازات اسلامی برگرفته از فقه امامیه است بررسی و تحلیل آیات و روایات و نیز ادله فقها جهت دستیابی به دیدگاه‌های روشن در خصوص موضوع مورد تحقیق می‌تواند از اهداف مورد نظر باشد.
- 3- استفاده و بهره‌مندی اساتید، دانشجویان، جامعه حقوقی، مؤسسات تحقیقات و پژوهشی دانش جنایی و جرم‌شناسی و دستگاه قضایی نیز از اهداف این تحقیق می‌باشد.

تأثیر جنسیت در جرم‌انگاری

جرایمی که با توجه به نوع جرم، فاعل جرم یکی از جنس مذکر و یا مؤنث است.

جرایم مختص مردان

عناوین کیفری که در حقوق جزایی ایران خاص جنس مرد می‌باشد، استخراج و به شرح زیر بررسی می‌شود.

1. تفاوت مجازات لواط بر حسب جنسیت

ماده 233 قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «لواط عبارت از دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه گاه در دبر انسان مذکر است» لواط را از آن جهت لواط می‌گویند که عمل متداولی بین قوم لوط بوده است. در این نوع انحراف شخصی منحرف ارضای تمایل جنسی خود را منحصراً از طریق رابطه‌ی جنسی و آمیزش با هم‌جنس خود دنبال می‌کند. هم‌جنس‌بازی مردان را لواط و هم‌جنس‌بازی زنان را مساحقه می‌گویند.¹ لواط در لغت به معنی ایجاد تماس و اصابت یا الصاق چیز دیگری است و در اصطلاح فقهی، این کلمه برای معرفی عمل مقاربت انسان مذکر با هم‌جنس خود استعمال می‌گردد. در فقه و حقوق اسلامی لواط از گناهان کبیره است که برای مرتکب، عذاب اخروی نیز وجود دارد. فقها مقصود از لواط را جماع کردن دو مرد با یکدیگر دانسته‌اند؛ «مقصود از لواط جماع کردن دو مرد با یکدیگر است خواه حشفه در دبر پنهان شود یا نشود.²» در این خصوص ماده 234 قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «حد لواط برای فاعل، در صورت علف، اکراه یا دارا بودن شرایط احصان، اعدام و در غیر این صورت صد ضربه شلاق است. حد لواط برای مفعول در هر صورت اعدام است. بدیهی است در صورتی می‌توان مفعول را به قتل محکوم نمود که مکلف باشد، و مکلف به کسی اطلاق می‌شود که بالغ و عاقل و مختار باشد. رکن معنوی (روانی) لواط جرم عمدی با سوءنیت عام، قصد و اراده و علم و آگاهی به ممنوع بودن فعل است و در نتیجه دخول است.

2. تفاوت مجازات ترک انفاق بر حسب جنسیت

یکی از مهمترین وظایف مرد در برابر خانواده و همسرش تأمین هزینه زندگی اوست. در اسلام نیز نسبت به این بخش از وظیفه مرد احکامی وجود دارد که تکلیف مرد را مشخص نموده است: ماده 642 قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع نماید دادگاه او را از 3 ماه و یک روز تا 5 ماه حبس محکوم می‌کند.» و مطابق ماده 1106 قانون مدنی اشعار می‌دارد: «در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است.» لفظ زن در ماده 642 قانون مجازات اسلامی ناظر به زوجه دائمی است؛ در عقد موقت جرم ترک انفاق قابل تطبیق با حکم ماده 642 قانون مجازات اسلامی نیست. چون ماده مزبور ناظر به همسر دائمی است لذا ترک

¹ - ولیدی، محمدصالح، «حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی و حقوق و تکالیف خانوادگی»، انتشارات امیرکبیر، 1380، پاورقی ص 68.

² - گرجی، (ابوالقاسم)، «حدود و تعزیرات و قصاص»، انتشارات دانشگاه تهران، 1381، ص 42.

اتفاق در عقد منقطع اساساً جرم نیست.^۳ منظور از نفقه هر چیزی است که برحسب عرف موردنیاز زن باشد و آنچه که در ماده 1107 قانون مدنی آمد حصری نبوده و تمثیلی است. البته تعیین کیفر مادر در قالب ماده 642 جایز نیست. مگر در صورت تعیین مادر به سمت قیم اتفاقی^۴

3. عقد کردن زن شوهردار یا در عده‌ی دیگری

ماده ی 643 قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی عالماً زن شوهردار یا زنی را که عده دیگری است برای مردی عقد کند به حبس از 6 ماه تا 3 سال محکوم یا از 3 میلیون تا 18 میلیون ریال جزای نقدی و تا 74 ضربه شلاق محکوم می‌شود و اگر دارای دفتر ازدواج و طلاق یا اسناد رسمی باشد برای همیشه از تصدی دفتر ممنوع خواهد گردید. ماده 1050 قانون مدنی نیز ازدواج با زن شوهردار و زنی که در عده دیگری است را هم باطل می‌داند و هم اینکه زن بر آن شخص حرام ابدی می‌شود.

م 644 قانون مجازات اسلامی مقرر داشته؛ «کسانی که عالماً مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس از شش ماه تا دو سال و یا از سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند: 1. هر زنی که در قید زوجیت یا عده دیگری است، خود را به عقد دیگری درآورد و در صورتی که منجر به واقعه نگردد. 2. هرکسی که زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای خود تزویج نماید، در صورتی که منتهی به واقعه نگردد. در ماده 643 این جرم و کیفر آن ناظر به عاقد و سردفتر است و مربوط به مردی که با زن شوهردار ازدواج کند نمی‌شود و با توجه به کلمه عالماً درصدر ماده جهل موضوعی مرتکب رافع مسؤولیت است و مهم نیست عقد دائمی باشد یا منقطع. لفظ عده شامل تمام انواع عده می‌شود. هم‌چنین در ماده 644 اگر واقعه صورت گیرد زنا محصنه صورت گردیده است. و بر هر کدام که آگاهانه اقدام به این امر نموده باشد حد زنا جاری خواهد شد.^۵

همچنین در مواردی که زن حامله است اگر مطلقه شود یا نکاح فسخ شود و بذل مدت انقضا گردد. چون عده وضع حمل است لذا اگر قبل از وضع حمل تزویج از ناحیه مرد انجام شود، مشمول ماده 644 قانون مجازات اسلامی می‌شود.^۶

4. عدم ثبت ازدواج دائم، طلاق و رجوع

یکی دیگر از موضوعاتی که قانونگذار با توجه به جنسیت آن را جرم و مرتکب را مستحق مجازات دانسته است. موضوع ماده 645 قانون مجازات اسلامی است که مقرر می‌دارد: «به منظور حفظ کیان خانواده ثبت ازدواج دائم، طلاق و رجوع طبق مقررات الزامی است چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی مبادرت به ازدواج دائم، طلاق و رجوع نماید به مجازات حبس تعزیری تا یکسال محکوم می‌شود.» عدم ثبت ازدواج موقت دارای ضمانت اجرای کیفری نیست، اما در ازدواج دائم این امر مقرر شده است. عنوان کیفری ذکر شده جزو جرایم عمومی بوده و به صورت ترک فعل و برای برقراری نظم عمومی و غیرقابل گذشت است. با عنایت به ماده‌ی فوق ملاحظه و استنباط می‌شود که برای تحقق جرم لازم است ازدواج دائم به شکل صحیح و قانونی بین مرد و زن واقع شود و مرد از ثبت آن در دفاتر رسمی خودداری کند. چنانچه عقد نکاح به هر نحوی باطل شود عنوان جزایی عدم ثبت ازدواج دائم نیز منتفی خواهد بود. نظر به اهمیت حفظ بنیان خانواده و برقراری نظم عمومی و آثار مترتب بر طلاق چه باین و چه رجعی ثبت طلاق در دفاتر رسمی توسط قانون گذار لازم تشخیص داده شده است و هرگاه

³ - ولیدی، محمد صالح، مأخذ پیشین، ص 346

⁴ - ر.ک، حکم شماره 1395، شعبه 2، متین، 237.

⁵ - حسینی، عباس، «حقوق زن در ایران و اسناد بین الملل»، تهران، نشر کتابخانه، گنج دانش، ج 1، 1386، صص 348-349.

⁶ - ر.ک. به مواد 1151 تا 1157 قانون مدنی.

طلاق با شرایط قانونی واقع شود، علاوه بر اینکه از لحاظ مدنی دارای آثاری است، در صورت عدم ثبت آن ضمانت اجرای کیفری برای مرد مقرر گردیده است.

جرم عدم ثبت طلاق مختص مردان و از جرایم عمومی و بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی و غیرقابل گذشت است. چنانچه شاکی خصوصی داشته باشد و گذشت نماید، حسب مقررات قابل تخفیف بوده و امکان تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط وجود دارد. لازمه‌ی رجوع وقوع ازدواج دائم صحیح و سپس طلاق به صورت قانونی است و اگر طلاق باطل باشد، نکاح منحل نمی‌شود و رجوع هم بی‌معنا است، در نتیجه جرم واقع نمی‌شود. ماده 645 قانون مجازات اسلامی میزان مجازات بزه عنوان شده را حبس تعزیری تا یکسال مقرر کرده است.

5. ازدواج با نابالغ بدون اذن ولی

یکی از مسائلی که در عقود و ایقاعات و به طور کلی در حقوق اعم از مدنی و کیفری دارای اهمیت است، موضوع اهلیت و سن طرفین عقد می‌باشد. از جمله مواردی که سن فرد مورد توجه قرار گرفته است واقعه ازدواج است. اصولاً افرادی دارای اهلیت برای ازدواج می‌باشند که به سن بلوغ رسیده باشند و ازدواج قبل از بلوغ ممنوع است.

حسب مصوبه تاریخ 81/4/1 مجمع تشخیص مصلحت نظام در نکاح، سن دختر نباید کمتر از 13 سال شمسی و سن پسر نباید کمتر از 15 سال شمسی باشد. و بنابراین تحقق جرم ماده 646 منوط به عدم رعایت مقررات اخیر اصلاح شده است.⁷ نکته بعدی منظور از ولی، ولی قهری (پدر و جد پدری) است و مادر یا جد مادری یا اشخاص دیگر ولایتی در نکاح ندارند.

6. تفاوت مجازات زنا به عنف و اکراه بر حسب جنسیت

بند «ت» ماده 224 قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «زنا به عنف و اکراه از سوی زانی، که موجب اعدام زانی است.» تبصره 2 ماده 224: «هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد در حال بی‌هوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنا به عنف است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است.»

ماده 231 همان قانون نیز اعلام می‌دارد: «در موارد زنا به عنف و در حکم آن، در صورتی که زن باکره باشد مرتکب علاوه بر مجازات مقرر به پرداخت ارش البکاره و مهر المثل نیز محکوم می‌شود و در صورتی که باکره نباشد، فقط به مجازات و پرداخت مهر المثل محکوم می‌گردد.»

در تعریف عنف باید گفت: عنف در لغت به عکس رفق و مدارا می‌گویند و در حقوق جزا به جای کلمه (Violence) به کار رفته در معنای زیر:

«اقدام و واداشتن کسی را به کاری بدون رضای او خواه توأم با عمل مادی باشد خواه نه. یا درهم شکستن مقاومت شخص یا چیزی. هم‌چنین عمل درآمیخته با تجاوز و به طور ارادی و به ضرر شخص دیگر یا در زمینه نقص قانون⁸ و در خصوص اکراه گفته شده که به معنای واداشتن کسی به انجام فعلی که راضی به انجام آن فعل نبوده می‌باشد. و موجب زوال اراده فرد می‌شود.⁹ عنف و اکراه و زنا ممکن است مادی باشد مثل زور و اجبار و یا معنوی باشد مثل حالت جهل و بی‌خبری باشد. نظر به کلمه (زانی) که فاعل عمل زنا را گویند و ضرورتاً (مرد) است، زنا به عنف و اکراه که از طرف زن وارد شده موجب قتل اکراه-کننده نمی‌باشد.¹⁰ به این دلیل که عده‌ای عقیده دارند تحقق زنا با وجود اکراه و عدم تمایل به مقاربت از ناحیه مرد، مانع

⁷ - حسینی، عباس، پیشین، ص 351.

⁸ - جعفری لنگرودی، محمدجعفر، پیشین، ص 476.

⁹ - شکری، رضا، سیروس، قادر، «قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی»، تهران، نشر مهاجر، ج 4، 1384، ص 676.

¹⁰ - همان، ص 177.

تحریک وی و ارضای غریزه جنسی وی می‌گردد. اصولاً عمل مقاربت متوقف بر میل و شهوت است و در فرض اکراه تمایلی برای مقاربت از سوی مرد نیست.¹¹ در هر حال تفسیر مضیق قانون اقتضا دارد که مجازات قتل را تنها در مورد مرد اجبار کنند، بدانیم.

ب) جرایم مختص زنان

در مقررات ماهوی ایران تحت تأثیر جنسیت زن موضوعاتی جرم‌انگاری و برای زن الزامی شده است تا از ارتکاب آن عمل خودداری نمایند. عناوین مورد بحث با توجه به چگونگی و نحوه ارتکاب و ویژگی آن به گونه‌ای می‌باشد که انجام آن از ناحیه مرد قابل تصور نیست. این جرایم به شرح ذیل بیان می‌شوند:

1. عدم رعایت حجاب شرعی

واژه بدحجابی به معنای پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدیدی است و در اصطلاح فقها کلمه ستر به معنای پوشش به کار می‌رود. کلمه حجاب در قرآن در مورد ارتباط زن و مرد تنها یک بار و آن هم به معنای مانع به کار رفته است.¹² این آیه در اصطلاح تاریخ اسلامی و حدیث به آیه حجاب تعبیر شده است. تبصره ماده 638 قانون مجازات اسلامی: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار ظاهر شوند به حبس از 10 روز تا 2 ماه و یا 50000 تا 500000 ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.» مقنن رعایت نکردن حجاب شرعی را مختص زنان قرار داده است و واژه زن نیز اطلاق دارد به کسانی که دارای اهلیت و مکلف هستند و به سن بلوغ شرعی رسیده‌اند. تفاوتی بین زن مسلمان و غیرمسلمان و ایرانی و غیرایرانی قابل تصور نیست، چون طبق اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی، تمام زنانی که در ایران هستند، باید مقررات جزایی را رعایت نمایند. برای تحقق جرم بدحجابی لازم است زنان در معابر و در انظار عمومی ظاهر و آشکار شوند؛ چنانچه داخل منزل خود باشند، مشمول این ماده نمی‌شوند، این عنوان کیفری از جرایم عمدی و غیرقابل گذشت و تعزیری است.

2. خود را به عقد دیگری در آوردن در زمان زوجیت یا عده

در حقوق اسلامی و در حقوق ایران تعدد زوجات برای مرد منع نشده است و تحت شرایطی می‌تواند ازدواج نماید اما زن چنین حقی را ندارد، حتی اگر شوهر نداشته باشد و در زمانی که زن در قید زوجیت یا عده دیگری است نمی‌تواند به عقد ازدواج دیگری درآید. بند اول ماده 644 قانون مجازات اسلامی: «هر زنی که در قید زوجیت یا عده دیگری است خود را به عقد دیگری درآورد در صورتی که منجر به وقوعه نگردد» و ماده 644 می‌گوید کسانی که عملاً مرتکب یکی از اعمال بند اول و بند دوم شوند به حبس از 6 ماه تا 2 سال و یا از 3 تا 12 میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.¹³ اگر زنی آگاه باشد که شوهر دارد یا در عده به سر می‌برد و مع الوصف خود را به عقد نکاح مردی درآورد مرتکب جرم شده است، حکم ماده تا موقعی است که منجر به وقوعه نشود.

3. تفاوت مجازات مساحقه بر حسب جنسیت

یکی از جرایمی که قانونگذار مختص جنس زن قرار داده است، مساحقه می‌باشد. عنوان مذکور از جرایم حق‌اللہی و دارای جنبه‌ی عمومی و غیرقابل گذشت و جزء حدود است و میزان مجازات آن در شرع معین شده است. طبق ماده 238 قانون مجازات اسلامی: «مساحقه عبارت است از اینکه انسان مؤنث، اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی همجنس قرار دهد» دکتر ابوالقاسم گرجی با همکاران در کتاب حدود و تعزیرات و قصاص در مورد سحق بیان نموده است؛

¹¹ - ولیدی، محمد صالح، پیشین، ص 177

¹² - سوره‌ی احزاب، آیه 54.

¹³ - شکری، رضا، سیروس، قادر، پیشین، ص 712.

«هرگاه زنی فرج خود را به فرج زنی دیگری بمالد، اگر شوهر نداشته باشد، حدش صدتازیانه است؛ خواه مسلمان باشد یا کافر. جماعتی از فقها حکم زن شوهر دار (محصنه) را از نظر عقوبت همان حکم زن بی شوهر دانسته اند ولی جماعت دیگر برآنند که زن شوهردار را باید سنگسار کرد¹⁴. تفاوت مهمی که میان مجازات لواط و مساحقه است این است که این جرم برخلاف لواط حد قتل وجود ندارد در این زمینه روایات فراوانی وجود دارد مثلاً از حضرت علی (ع) روایت است چون در مساحقه دخول صورت نمی گیرد حد آن صد تازیانه است¹⁵.

«تأثیر جنسیت در نحوه اجرای مجازات‌ها»

آراء و نظرات فقها

1. آراء و نظرات فقهای عامه

فقهای اهل سنت همگی اتفاق نظر دارند که مطابق کتاب و سنت، حد فرد زناکار دارای همسر، سنگسار است. بنابراین شرط اصلی اجرای حکم سنگسار برای فرد زناکار آن است که چنین فردی محصن یا محصنه باشد. احصان در لغت به معنای منع است. اما در اصطلاح شرعی و فقهی منظور از احصان شروطی است که فرد دارای آن شروط، اگر مرتکب جرم زنا شود، حد رجم برای او جاری می شود. فقهای اهل سنت برای ثبوت احصان یک فرد شروطی را مطرح کرده اند. در فقه حنفی برای احصان 5 شرط ذکر شده است. 1- حرمت 2- عقل 3- بلوغ 4- اسلام 5- نکاح صحیح و آمیزش (یعنی بهره‌مندی از هر لذتی)¹⁶ در فقه مالکی علاوه بر شروط عنوان شده علم به تحقق کامل خلوت بین زن و مرد و همچنین علم فرد به وجود شرط اسلام و شرط حرمت در مرد، از شروط دیگر احصان نام برده شده است.¹⁷ برخلاف این در مذهب شافعی و حنبله، اسلام را از شرایط احصان نمی دانند و معتقدند که با تحقق شرایط فوق اگر حد رجم بر فردی ثبوت پیدا کند و این فرد پس از زنا مرتد و کافر گردد حد بر او جاری می شود و همچنین اگر فرد زناکار با داشتن شرایط احصان مسلمان نباشد نیز حد سنگسار بر او جاری خواهد شد.¹⁸ به عقیده فقهای اهل سنت کیفیت و اجرای حد سنگسار بدین صورت است که برای اجرای حد زن زناکار اگر زنای او با شهادت شهود اثبات شده باشد، گودالی که گودی آن تا سینه زن است حفر می کنند، اما اگر زنای زن با اقرار خودش اثبات شود، گودال حفر نمی کنند و همچنین برای اجرای حد رجم برای مردان نیز گودالی حفر نمی شود. وسیله اجرای حکم، سنگ‌های متوسط است و شدت ضربه نباید به نحوی باشد که در همان ابتدا فرد را بکشد. اگر زنا با شهادت شهود اثبات شده باشد، شهود ابتدا شروع به پرتاب سنگ می کنند و اگر همگی یا یکی از شهود از زدن امتناع کند حد ساقط می شود و در جایی که حد زنا با اقرار فرد صورت گرفته باشد، قاضی یا امام باید آغازکننده باشد. در پایان این بحث باید متذکر شد که با وجود اتفاق فقهای اهل سنت بر حکم سنگسار زناکار محصن و محصنه، اما در میان ایشان، خصوصاً در بین معاصران آنها عده معدودی با این حکم به مخالفت پرداخته و حتی برخی از ایشان کتبی در رد حد رجم نیز نوشته‌اند که از آن جمله می توان به کتاب «لا رجم للزانیه» از دکتر احمد سقا اشاره کرد.

¹⁴ - گرجی، ابوالقاسم، پیشین، ص 49.

¹⁵ - شکر، رضا، سیروس، قادر، پیشین، صص 186-191.

¹⁶ - الضاغری، اسعد محمد سعید، الفقه الحنفی و ادله، ج 5، دارالحکم طیب، دمشق، 1429، ق، ج 4، ص 313، به نقل از جاحی ده‌آبادی، احمد، پیشین، ص 302

¹⁷ - التواتی، ابن تواتی، المسبب فی الفقه مالکی بالادله، ج اول، دارالوعی، الجزائر، 1431، ق، ج 3، ص 141

¹⁸ - ابن قدامه المقدسی، عبدالله ابن احمد، الکافی فی فقه ابن حنبل، دارالکتب العلمیه، بیروت 1414، ق، ج 4، ص 141، به نقل از مهرپور، حسین، ص

2. آراء و نظرات فقهای امامیه

با جستجوی کتب مشهور فقهای امامیه در می‌یابیم که کمتر متعرض کیفیت جواز حد رجم شده‌اند و هرکدام به شیوه‌ای شبیه به هم فقط به ذکر احادیث مربوط به اجرای رجم توسط پیغمبر و ائمه (ع) و شرایط اجرای حکم رجم پرداخته‌اند. صاحب کتاب جواهر الکلام رجم را (حداکبر در مقابل حداصر) که حد است نامیده است. در کتاب وسائل الشیعه نیز آمده است که از امام صادق نقل شده است که علی (ع) پیرمرد زناکار را ابتدا 100 ضربه شلاق زد و سپس دستور رجم را صادر نمود. شهید ثانی نیز همچون سایرین فقط به ذکر شرایط تحقق احصان پرداخته و کوچک‌ترین تردیدی نسبت به جواز حکم رجم نداشته است.

فقهای امامیه در مورد شیوه‌ی اجرای آن اتفاق نظر دارند، و گفته‌اند حد شرعی زنا محصنه آن است که ابتدا زناکار بنا به احتیاط، یکصد ضربه شلاق می‌خورد، سپس سنگسار می‌شود. سنگسار بدین صورت است که مرد را تا کمر و زن را تا سینه در خاک دفن می‌کنند و او را با سنگ‌های کوچک می‌زنند تا بمیرد. اگر اثبات زنا با شهادت شهود ثابت شده باشد، ابتدا شاهدان سنگسار را آغاز می‌کنند و اگر شخص خود اقرار به زنا کرده باشد حاکم شرع سنگسار را آغاز می‌کند. گفته شده که حضور گروهی که حداقل یک نفر یا سه نفر بنا بر نقلی دیگر ده نفر هستند لازم است و کسی که خود حد شرعی بر گردن دارد، نباید سنگسار کند.

سنگ‌هایی که در اجرای رجم استفاده می‌شود باید قبلاً در محل آماده شده باشد و بزرگی آن نباید به حدی باشد که با اصابت یک یا دو عدد، محکوم کشته شود و نباید آنقدر کوچک باشند که نام سنگ بر آن صدق نکند. پس از اجرای حکم زناکار را غسل و کفن می‌کنند، بر او نماز می‌خوانند و سپس وی را دفن می‌کنند.¹⁹

ج) مستندات فقها

1. آیات

آنچه در قرآن به عنوان مجازات رابطه نامشروع (زنا) تعیین شده در دو سوره مورد توجه است. یکبار در سوره نساء و بار دیگر در سوره نور. آیه 15 سوره نساء می‌فرماید: «و از زنان شما آنان که مرتکب فحشا می‌شوند از چهار تن از خودتان بر ضد آنها شهادت بخواهید اگر شهادت دادند زنان را در خانه محبوس دارید تا مرگشان فرا رسد یا خدا راهی پیش پایشان نهد.» در آیه 2 از سوره نور که پس از سوره نساء آمده است خداوند می‌فرماید: «دو زن و مرد زناکار را هر یک صد ضربه بزنید. و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید مبادا که در حکم خدا نسبت به آن دو دستخوش ترحم شوید.» با تصریح این آیات روشن می‌شود که مجازات زن و مرد زناکار تازیانه است که ظاهراً از مجازات‌های رایج زمان خود بوده است. اما در هیچ جای قرآن اشاره‌ای به نوع دیگری از مجازات نمی‌شود و تفکیکی هم بین زنا محصنه و غیرمحصنه قائل نمی‌شوند.

در بخش دیگری، خداوند ازدواج مرد و زن زناکار سخن می‌گوید: درحالی که اگر مجازات آنان سنگسار است آیا امکان ازدواج پس از آن فراهم می‌شود؟

سوره نور آیه 3: «مرد زناکار جز زن زناکار یا مشرک را نمی‌گیرد و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک نمی‌گیرد.»

2. روایات

¹⁹ - العاملی، محمدبن جلال‌الدین، الروضه البهیة، فی شرح اللعنه الدمشقیة، به نقل کلانتر، سید محمد، ج 1، انتشارات داوری قم 1383، ج 9، ص 89

امیرالمؤمنین (ع) به نقل از رسول خدا می‌فرماید: «رسول خدا صلی‌الله علیه و آله زناکار همسر دار را سنگسار کرد». از امام باقر (ع) نقل شده است که فرمودند: «مرد و زن همسر دار که مرتکب زنا شده باشند نخست صد تازیانه می‌خورند سپس سنگسار می‌شوند.»

امام صادق (ع) می‌فرمایند: سنگسار حد بزرگ الهی است و تازیانه زدن حد کوچک الهی است. امام صادق (ع) فرمودند: خداوند مشخص فرمود که رابطه جنسی تنها از راه حلال آن انجام گیرد، کسی که از این حکم تخلف کند اگر مجرد باشد تازیانه می‌خورد، و اگر متأهل باشد رجم می‌شود زیرا از حدود خدا تجاوز کرده است. در روایات اهل سنت، شعبی نقل می‌کند از علی (ع) که روز جمعه زنی را رجم کرده و فرمود: بر اساس سنت رسول خدا (ص) او را رجم کردم.

ابوبیر می‌گوید از جابرین عبدالله شنیدم که می‌گفت: رسول خدا (ص) مردی از اسلم، و مردی از یهود و زنی را رجم کرد. شعبی می‌گوید: علی (ع) وقتی خواست زنی از اهل کوفه را رجم کند، روز پنج‌شنبه تازیانه زد و روز جمعه رجم کرد و فرمود: بر اساس کتاب خدا او را تازیانه زد و بر اساس سنت نبی خدا (ص) او را رجم کردم. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در تمام آیات و روایات از چگونگی اجرای حد رجم سخنی به میان نیامده به جز این روایت که مبنای صحیحی ندارد که فرزند ابوبکر از پدرش نقل می‌کند: «پیامبر (ص) زنی را رجم کرد، سپس برای او حفره‌ای تا سینه حفر کرد.»

3. اختلاف در مشروعیت

چنان‌که گفتیم فتوای مشهور از اهل سنت و شیعه بر مشروعیت رجم و حتی انجام گرفتن آن در چند مورد توسط رسول خدا و امام علی و امام صادق است ولی شمار دیگری از فقها و صاحب نظران آن را رد کرده‌اند و خاص یهود دانسته‌اند که در قرآن مجید اشاره‌ای به آن نشده است.

در اینکه عمل زنا یکی از زشت‌ترین منکرات در اسلام به شمار می‌رود هیچ تردیدی نیست و لیکن در حد و کیفر آن اختلاف نظرهای بسیاری است برخی از روایات و احادیث شیعه می‌گویند که حد رجم در اسلام هست ولی اجرای آن فقط در حضور معصوم یعنی حاکمیت پیامبر و امام معصوم جایز است.

نظر برخی دیگر از فقها و صاحب نظران بر این است که اصولاً حد زنا در قرآن مجید تعیین شده و آن یکصد تازیانه است و چند خبر مربوط به رجم شدن افرادی از منظر فن حدیث شناسی مردود می‌باشند. و در متن آنها تناقضات و ابهامات فراوان هست، که مخدوشیت و یا مجهولیت آن اخبار را تأیید می‌کند.²⁰

د) علت تفاوت اجرای حد رجم

ماده 102 قانون مجازات قدیم مقرر می‌دارد: «مرد را تا نزدیک کمر و زن را تا نزدیک سینه در گودال دفن کرده و سپس رجم می‌نماید.»

مرحوم شیخ طوسی می‌فرماید اگر طرف مرد است تا حقوقه خودش دفن می‌شود و اگر زن است تا ثدیین خودش دفن می‌شود، «حقو» به معقدالآزار می‌گویند، یعنی جایی که بند شلوار است، سابقاً همه شلوارها بند داشتند که آن را می‌بستند، ولی در عصر و زمان ما که پیش آمده، همه شلوارها کشدار است و کش جای همان بند است، پس معنایش این است که مرد را تا نیم‌تنه خاک می‌کنند و زن را تا پستانش و علت این تفاوت را باید در اختلافات طبیعی بین زن و مرد جستجو کرد. برخی

²⁰ - موسوی، سیدمحمدجواد، «فقه استدلالی»، ترجمه دکتر سید علی اصغر موسوی، چاپ اقبال، 1317، ص 653.

معتقدند ملاک تفاوت در حفر زن تا سینه این است که بدن زن تا سینه عورت محسوب می‌شود لذا باید کاملاً پوشیده باشد ولی در مورد مرد این گونه نیست.²¹

این اختلاف در اجرای مجازات سنگسار نیز باعث تبعیض منفی نسبت به حقوق زنان می‌شود چرا که اجازه‌ی چندهمسری و ازدواج موقت برای مردان در قانون ایران راه فرار ایشان از حکم سنگسار است اما در مقابل فقدان وجود چنین راه‌هایی برای زنان دلیلی بر محکومیت بیشتر آنها به سنگسار می‌باشد. و از طرف دیگر چگونگی اجرای حکم سنگسار در زنان و مردان به گونه‌ای است که زنان بخت کمتری برای فرار از گودال دارند زیرا نمی‌توانند در شرایطی که تا سینه در آن دفن شده‌اند، و در شرایطی که دست‌هایشان در کفن و در خاک است امکان فرار داشته باشند. درحالی که مردان می‌توانند زودتر و آسان‌تر بگریزند.²²

گفتار دوم: تأثیر جنسیت بر کیفیت اجرای شلاق

الف) بیان مسأله و مفهوم شلاق

بخش عمده‌ای از مجازات‌های بدنی در حقوق ایران، شلاق یا تازیانه است. شلاق یک نوع مجازات بدنی است که به موجب آن بدن مجرم از طریق نواختن ضربه به وسیله شلاق مورد درد و عذاب قرار داده می‌شود بدون آنکه عضوی از اعضاء بدن قطع یا جرح شود و بدون آنکه حیات وی سلب شود.

این نوع مجازات که یکی از شایع‌ترین و قدیمی‌ترین مجازات‌ها است و تقریباً در همه جوامع بشری برای تنبیه و ارباب مجرمین در قبال ارتکاب برخی از افعال ممنوعه وجود داشته است، در اسلام نیز به عنوان یک حکم امضایی و در موارد خاصی پذیرفته شده است و اکنون در حقوق ایران به عنوان یکی از مجازات‌های اصلی شایع و مهم در قبال ارتکاب برخی از جرائم حدی و تعدادی از جرائم تعزیری و بازدارنده وجود دارد.²³

به موجب شلاق بدن مجرم از طریق نواختن ضربه به وسیله شلاق مورد درد و عذاب قرار داده می‌شود. شلاق معمولاً به شکل نوار چرمی به هم تابیده به طول تقریبی یک متر به قطر تقریبی 1/5 سانتی‌متر می‌باشد که بسته به نوع مجازات‌ها با شدت مختلف زده می‌شود.

ب) مصادیق شلاق‌های حدی و تعزیری و نحوه‌ی اجرای آنها

1. انواع شلاق

شلاق یکی از انواع مجازات‌های حدی است که تعداد ضربات و کیفیت اعمال آن در هر یک از جرائم مربوطه مشخص شده است و قاضی هیچ گونه اختیاری در کم یا زیاد کردن آن ندارد. برخلاف شلاق‌های تعزیری که فقط تعداد حداکثر آن مشخص شده است و قاضی اختیار دارد از آن میزان کمتر مورد حکم قرار دهد یا آن را به مجازات دیگری تبدیل کند. در حقوق ایران به تبعیت از فقه جزایی اسلام، موارد شلاق‌های حدی و تعداد آنها مشخص و احصاء شده است.

1- زنای غیرمحصنه - زنای حد زنا در مواردی که مرتکب غیرمحصن باشد، صد ضربه شلاق است.

2- تفخیز - در تفخیز حد فاعل و مفعول صد ضربه شلاق است. (م 236 قانون مجازات اسلامی)

3- مساحقه

4- قوادی

21 - مسعودی فر، رضا، «حدود و نحوه اجرای آن در محاکم قضایی ایران»، انتشارات نسل نوین، ج 1، تهران، 1386، ص 105.

22 - صدر، شادی، مقاله منع سنگسار را قانونی کنید، مجله زنان، شماره 134، مرداد 1385

23 - بهرامی، بهرام، اجرای احکام کیفری، انتشارات نگاه بینه، 1382، ص 26.

5- قذف - حد قذف 80 ضربه شلاق است. (م 250 قانون مجازات اسلامی)

6- حد مصرف مسکر، هشتاد ضربه شلاق است. (ماده 265 قانون مجازات اسلامی)

با توجه به مطالب گفته شده، تعداد جرایم حدی مستلزم مجازات شلاق حدی، فقط چند جرم است، در حالی که تعداد جرایمی که مستلزم اعمال مجازات شلاق تعزیری است بسیار زیاد و عمدتاً در کتاب پنجم از قانون مجازات اسلامی مورد حکم قانون گذار واقع شده است، و علاوه بر قانون مجازات اسلامی، در قوانین جزایی دیگر مانند قانون مبارزه با مواد مخدر نیز در موارد متعددی شلاق به عنوان مجازات تعیین شده است.

2. تفاوت در اجرای حد جلد

در زمینه نحو اجرای مجازات شلاق در مقررات مربوط به حد زنا در قانون مجازات اسلامی مواردی به چشم می‌خورد که حاکی از تفاوت بین زنان و مردان می‌باشد.

ماده 100 قانون مجازات اسلامی قدیم: «حد جلد مرد زانی باید ایستاده و در حالی زده شود که پوشاکی جز ساتر عورت نداشته باشد تازیانه به شدت تمام به تمام بدن وی غیر از سر و صورت و عورت زده می‌شود. تازیانه را به زن در حالی که نشسته و لباس‌های او به بدنش بسته شده باشد می‌زنند.»

همین حکم در مورد مربوط به کیفیت اجرای حد شرب خمر نیز تکرار شده است.

به نظر می‌رسد این مقررات در مورد اجرای مجازات شلاق و سایر حدود نیز باید رعایت شود.

ج) بررسی علت تفاوت در اجرای حد جلد

اکثر قریب به اتفاق فقها بر این نظر استوارند که هنگام زدن تازیانه باید مرد ایستاده و برهنه باشد، در حالی که عورت او پوشیده است، و زن نشسته باشد در حالی که لباس‌هایش را به او پیچیده‌اند تا بدن او آشکار نشود، چرا که بدن زن عورت است، بر خلاف مرد. در جایی دیگر آمده است که زانی را در همان حالی که او را بر آن حال هنگام زنا دیده‌اند، تازیانه می‌زنند، اگر او را لخت دیده‌اند، در حالی که برهنه است تازیانه‌اش می‌زنند و اگر لباس بر تن داشت در حالی که آن لباس را بر تن دارد تازیانه می‌خورد و از این جهت فرقی میان مرد و زن نیست. شیخ و برخی از فقها به مضمون این روایت عمل کرده‌اند.²⁴

مبحث دوم: موانع دائم و موقت در اجرای احکام

گفتار اول: موانع دائم

پس از اینکه رأی قطعی و لازم‌الاجرا گردید و قاضی صادر کننده رأی دستور اجرا را صادر و پرونده جهت اجرای حکم به واحد اجرای احکام ارسال شد، اولین وظیفه قاضی اجرای حکم پس از مطالعه و بررسی پرونده در صورتی که حکم صادره فاقد ایراد و اشکال قانونی باشد، بررسی موانع اجرای حکم است. چنانچه محکوم‌علیه واجد یکی از موانع قانونی باشد، حکم اجرا نمی‌شود و تصمیم مقتضی حسب مورد اتخاذ می‌شود. موانع دائم در اجرای حکم مشترک بین زن و مرد هستند.

الف) درخواست عفو

ماده 4 آیین نامه نحوه اجرای احکام قصاص، رجم، قتل، صلب، اعدام و شلاق مصوب 82/7/5 رئیس قوه قضائیه مقرر نموده است: «به استثناء مورد قصاص نفس، چنانچه محکوم به اعدام، قتل، رجم، صلب و یا قطع عضو به عنوان حد، پس از لازم‌الاجرا شدن حکم و قبل از اجرای آن درخواست عفو نماید، به دستور دادگاه صادرکننده حکم، اجرای آن تا اعلام نتیجه از سوی کمیسیون عفو و بخشودگی به تأخیر خواهد افتاد. کمیسیون مزبور موظف است به این تقاضا رسیدگی و در اسرع وقت نتیجه را

²⁴ - تهذیب، ج 10، ص 32، به نقل از شهید ثانی، «شرح المعه»، کتاب حدود، ترجمه و تبایع دکتر علی شیروانی، ج 13، انتشارات دارالعلم، قم،

به دادگاه اعلام کند.» مطابق این ماده چنانچه محکوم به اعدام، قتل، رجم، صلب یا قطع عضو حدی پس از لازم‌الاجرا شدن حکم و قبل از اجراء درخواست عفو نماید، این درخواست مانع اجرای حکم است. چنانچه محکوم مورد عفو قرار گیرد، مجازات برای همیشه ساقط می‌گردد. بنابراین درخواست عفو ممکن است به یک مانع دائمی و سقوط مجازات بینجامد.

ب) فوت محکوم

یکی از عواملی که به عنوان مانع اجرای حکم مطرح است و حالت دائمی دارد و برای همیشه اجرای حکم را متوقف نموده، باعث زوال و سقوط مجازات می‌شود، فوت محکوم علیه است. چنانچه قبل از اجرای حکم، محکوم به قصاص یا اعدام یا هر نوع مجازات دیگری فوت نمود، مدارک مربوط به احراز فوت در پرونده درج، و پس از اینکه قاضی مجری حکم از واقعه فوت اطمینان حاصل نمود، مراتب را با ذکر مدارک اثبات فوت صورت مجلس نموده و با استناد به بند اول ماده 6 قانون آئین دادرسی کیفری، قرار موقوفی اجرا صادر و چنانچه اقدام اجرایی دیگر لازم نباشد پرونده را بایگانی می‌نماید. مانع فوت منحصر به نوع خاصی از مجازات‌ها نیست و در همه انواع آنها و نیز هر نوع مجازات شخصی دیگر می‌تواند مطرح شود.

گفتار دوم: موانع موقت مخصوص زنان

زنان به لحاظ وضعیت جسمی خاص خود دارای تفاوت‌های اساسی با مردان هستند و ایجاب می‌کند که از نظر اجرای مقررات آئین دادرسی در بخش اجرای احکام تفاوت‌هایی میان آنان وجود داشته باشد نباید چنین تصور شود که چنین تفاوت‌هایی نوعی تبعیض به نفع زنان است زیرا این نوع برخورد به لحاظ عارض شدن حالت‌هایی بر زن است، که با از میان رفتن آن این تفاوت‌ها نیز از میان می‌رود هم چنان که در زنانی که این حالتها عارض نمی‌شود، چنین تفاوت‌هایی اعمال نمی‌شود، مبنای این تفاوت آن است که اجرای مجازات نباید موجب تشدید وضعیت محکوم علیه شود.

بنا به مراتب، چنانچه محکوم زن برخوردار از هر یک از این موانع باشد، ابتدا محکوم به پزشک قانونی یا پزشک معتمد معرفی و پس از تأیید وجود عذر و مانع قانونی، نتایج حاصله در پرونده درج و مراتب صورت مجلس و قرار تأخیر اجرای حکم تا زمان برطرف شدن مانع صادر و پرونده مقید به وقت متناسب می‌شود.

موارد تأخیر در اجرای احکام حدود (مواد 91 و 97) آمده است ولی ذکر این مواد در ذیل باب حد زنا به این معناست که شامل احکام دیگر حدود نمی‌شود زیرا حد زنا در این زمینه ویژگی خاصی جدا از حدود دیگر ندارد.

هم چنین در مواد 288 آئین دادرسی کیفری ماده 262 قانون مجازات اسلامی، ماده 3 آئین نامه نحوه اجرای احکام اعدام، رجم، صلب، قطع عضو و تبصره آن و ماده 296 آئین نامه دادرسی کیفری و تبصره ماده 65 آئین نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، موارد تأخیر اجرای احکام ذکر شده است.

الف) بارداری

ماده 437 قانون مجازات اسلامی «زن حامله که محکوم به قصاص است نباید قبل از وضع حمل قصاص شود و پس از وضع حمل چنانچه قصاص موجب هلاکت طفل باشد، باید به تأخیر بیافتد تا خطر مرگ از طفل بر طرف گردد.» که همین ماده در قانون جدید مجازات اسلامی تکرار شده است.

ماده 3 آئین نامه اجرای احکام اعدام، صلب، رجم و قطع عضو: «هرگاه محکوم به حد زن حامله بوده، تازه وضع حمل کرده باشد اجرای حکم تا 3 ماه بعد از وضع حمل به تعویق می‌افتد.»

ماده 288 آئین دادرسی کیفری: «مجازات شلاق تعزیری در موارد زیر تا رفع مانع اجرا نمی‌شود:

الف: زنی که در ایام بارداری یا نفاس یا استحاضه می‌باشد: زن شیرده در ایامی که طفل وی شیر خوار است حداکثر به مدت 2 سال.

بین موارد مختلفی که در قوانین آمده (اعم از قانون دادرسی و قانون مجازات) باید قائل به تفصیل شد. برخی از این موارد امور حکمی و برخی موضوعی هستند، به گونه ای که در قسمت اخیر ماده 437 ق.م.ا احراز علت تأخیر به عنوان یک امر

موضوعی به مقامات قضایی است یعنی آنها هستند که باید تشخیص دهند احتمال ضرر برای حمل یا نوزاد وجود دارد، در حالیکه در سایر موارد تاخیر امری حکمی است. یعنی وجود عامل مذکور در قانون، موجب تاخیر می شود. مثلاً لازم نیست پیرامون این مطلب که در حالت بارداری، وجود ضرر برای جنین مانع اجرای مجازات می شود، بررسی صورت گیرد. صرف بارداری موجب تاخیر می شود. نتیجه این مطلب در برخی موارد قابل تامل است مثلاً حد شلاق بر زن باردار به جهت عدم احراز بیم ضرر، اجرا می شود اما در شلاق تعزیری چون مطلب به صورت حکمی آمده این احتمال وجود ندارد.

در ماده 437 مجازات اسلامی که مجازات اعدام مطرح می شود، تنها بیم تلف نوزاد، عامل تاخیر در مجازات است حال آنکه در حد شلاق بیم ضرر به طور مطلق کفایت می کند. اما خوشبختانه ماده 443 مجازات اسلامی کمیسیون قضایی مجلس در خصوص قصاص عضو از این جهت مقررات کامل تری را پیش بینی نموده است: «اگر زن حامله، محکوم به قصاص عضو باشد و در اجرای قصاص، پیش یا پس از وضع حمل، بیم تلف یا آسیب بر طفل باشد، قصاص تا زمانی که بیم مذکور بر طرف شود، به تأخیر می افتد.»

وحدت ملاک اقتضا می کند در سایر جرائم و مجازات ها نیز با وجود این موانع فیزیولوژیک اجرای مجازات به تأخیر افتد.

۲۵

ب) شیردهی

ماده 92 قانون مجازات اسلامی قدیم مقرر می داشت: «هر گاه در اجرای حد جلد بر زن باردار یا شیرده احتمال بیم ضرر برای حمل یا نوزاد شیرخوار باشد اجرای حد تا رفع بیم ضرر به تأخیر می افتد.» البته این ماده در قانون جدید منسوخ است. تبصره ماده 3 آئین نامه اجرای احکام اعدام، صلب، رجم و قطع عضو: «در مورد زنانی که اطفال رضیع خود را شیر می دهند چنانچه به تجویز پزشک و تأیید قاضی صادر کننده حکم یا دادستان کل اجرای مجاز است موجب لطمه به سلامتی طفل به سبب قطع شیر مادر باشد اجرای مجازات فوق تا رسیدن طفل به دو سالگی به تعویق می افتد.»

ماده 288 آئین دادرسی کیفری: «مجازات شلاق تعزیری در موارد زیر تا رفع مانع اجرا نمی شود: الف - زنی که در ایام بارداری یا نفاس یا استحاضه می باشد.

ب- زن شیرده در ایامی که طفل وی شیر خوار است حداکثر به مدت 2 سال»

ماده 292: آئین دادرسی کیفری بیان می دارد: «کودک شیر خوار از مادری که محکوم به حبس شده نباید جدا گردد مگر اینکه مادر با رضایت خود او را به پدر یا نزدیکان دیگرش بسپارد.»

همانطور که ملاحظه می شود در این قسمت نیت تأخیر در اجرای حکم به خاطر تلف نوزاد می باشد به این دلیل است که این احکام نباید تبعیضی به نفع زنان پنداشت.

ج) نفاس

عامل نفاس نیز به عنوان یکی از عوامل تاخیر در اجرای حد مقرر گشته است از آنجا که نفاس مربوط به ایام پس از فارغ شدن از حاملگی می باشد، ظاهراً عاملی مستقل و مطلق برای تاخیر است. در این مورد حمایت از زن به جهت ضعف جسمانی پس از زایمان موجب تاخیر در اجرای مجازات می گردد.

د) حیض

25- رحمدل، منصوره مجموعه مقالات زن و حقوق کیفری، ج تهران، انتشارات سلسبیل، 1384.

در تبصره ماده 93 قانون قدیم آمده بود حیض مانع اجرای حد نیست. اثر این امر طبیعی کاهش قدرت جسمی و ایجاد وضعیت خاص روحی در زن است اگر ملاک عدم اعمال مجازات مضاعف بر زن است، چرا حیض مانع اجرای مجازات نگردد. خوشبختانه قانون جدید مجازات اسلامی، حیض در کنار نفاس و استحاضه شدید، عاملی برای تأخیر اجرای شلاق تلقی شده است.

در برخی روایات نیز حیض از موجبات تأخیر در اجرای حد می باشد در روایتی از امیر المومنین (ع) آمده «علاوه بر زن آبستن تا زمان وضع حمل و زن زایمان کرده تا زمان پاک شدن، بر زن حائض نیز تا زمانی که پاک شود حدی وجود ندارد.»

نتیجه‌گیری:

با توجه به مطالب مطرح شده و وجود قوانین و مقررات متفاوت برای مردان و زنان این اندیشه را که قانون‌گذار به جنسیت به عنوان وجه تمایز اصلی میان زن و مرد توجه داشته، تقویت می‌شود. البته برخی از این تفاوت‌ها قابل توجیه و برخی نیز طبیعی به نظر می‌رسد. ولی در خصوص برخی دیگر از قوانین وضعیت به این شکل نیست و عملکرد قانون‌گذار در این خصوص نتوانسته حمایت و رضایت تعداد زیادی از اهل فن، متخصصین، علمای حقوق و کسانی را که در حیطه‌ی مسائل زنان فعالیت می‌کنند به خود جلب کند. هم‌چنین نزد افکار عمومی بلاخص زنان تحصیل کرده نیز پذیرش این قوانین و مقررات به سختی صورت می‌گیرد.

در این تحقیق سعی بر آن بوده است که با تفکیک موضوعات با توجه به مبانی شرعی و فقهی این تفاوت‌ها در پاره‌ای از موارد به ارائه‌ی راهکارهایی در راستای اصلاح و تغییر قوانین در راستای رفع موانع احقاق حقوق زنان و بهبود وضعیت اجتماعی آنان بپردازیم.

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های موجود میان دختران و پسران، تفاوت در سن مسئولیت‌گیری است، همان‌طور که گفتیم قانون‌گذار «حد بلوغ شرعی» را ملاک احراز مسئولیت‌گیری می‌داند و درباره سن بلوغ کیفری و شرایط آن ساکت است. اما در تبصره ۱۲۱۰ قانون مدنی سن بلوغ دختران ۹ سال تمام قمری و پسران ۱۵ سال تمام قمری بیان گردیده با توجه به آیات قرآن کریم بلوغ زمانی حادث می‌شود که فرد به مرحله‌ی رشد قوای جنسی رسیده باشد و با قبول این فرض و مطلب بیان شده بلوغ و رشد جنسی دختران در سن یاد شده اتفاق نمی‌افتد. بین سن بلوغ جنسی دختران و پسران در ایران ۵/۱ تا ۲ سال فاصله وجود دارد. لذا سن بیان شده در این خصوص قابل تغییر به نظر می‌رسد. البته توجه به این نکته حائز اهمیت است که حتی با تغییر سن بلوغ در دختران، پذیرش مسئولیت‌گیری برای دختران و پسران با حدوث بلوغ جنسی، سخت و غیر منطقی به نظر می‌رسد چرا که برای احراز مسئولیت‌گیری در افراد علاوه بر بلوغ رشد نیز لازم است و بسیار بعید به نظر می‌رسد که این نوجوانان توانایی درک کامل حسن و قبح اعمال خویش را داشته باشند تا بتوانیم مسئولیت‌گیری تام را بر آنها تحمیل کنیم.

یکی دیگر از تفاوت‌های بحث برانگیز در بحث تعیین مجازات‌ها و اعمال آنها تفاوت در میزان دیه و مجازات قصاص است. بر اساس قوانین و مقررات قصاص مرد در مقابل زن موکول به پرداخت نصف دیه مرد است و دیه زن نیز نصف دیه مرد است. فقهای شیعه بر این موضوع اتفاق نظر دارند.

در مورد مسئله دیه زن و تفاوت با دیه متعلق به مرد سعی ما بر آن بوده است که قانون مجازات اسلامی ایران و مبانی فقهی را تا حد امکان بررسی کنیم. اظهار نظر قطعی دشوار به نظر می‌رسد. بررسی آیات پیرامون دیه نشان می‌دهد که هیچ یک بر تفاوت زنان و مردان در میزان دیه اشاره نکرده‌اند و فقط به تشریح اصل پرداخت دیه به خانواده‌ی مقتول در قتل غیر عمد اشاره نموده است. برخی نیز جدا از روایات و دلایل نقلی در مقام توجیه عقلی و منطقی این تفاوت برتری مردان نسبت به زنان را در ارزش وجودی آنان و عده‌ای دیگر در نقش اقتصادی و اقتصادی زنان و افزایش نقش آنان در اقتصاد خانواده عامل تفاوتی را نظریه‌های فوق بدانیم تغییر شرایط و موقعیت اجتماعی و اقتصادی زنان و افزایش نقش آنان در اقتصاد خانواده عامل مهمی در جهت تغییر و اصلاح قوانین دیه است. به هر حال معلوم نیست حکم تصنیف دیه از سوی پیامبر برای همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها باشد و این امر منافات ندارد با این که در زمان‌ها و مکانهای دیگر با توجه به مقتضیات زمان و در نظر گرفتن وضع

جامعه و متحول شدن نقش زنان تعیین مقدار دیه به عنوان خسارت ناشی از کشته شدن یک فرد یا صدمه دیدن او با در نظر گرفتن جهات مختلف از سوی دادگاه تعیین شود و از این حیث تفاوتی هم بین زن و مرد یا به صورت یک فرض ثابت وجود نداشته باشد. در بررسی که در خصوص موضوع قصاص و تفاوت موجود میان زنان و مردان در این خصوص به عمل آمده نمی توان از آیات قرآن کریم تفاوت را استنباط کرد. در خصوص روایات نیز قابل بحث بودن قبول تعبدی آنان و از سوی دیگر مقتضیات زمان عمل به آن ها را دشوار می سازد. مسئله و تفاوت بعدی که باعث اجحاف به حقوق زنان می شود قتل زن توسط همسرش به لحاظ شرایط ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی است. قانون گذار در این ماده با قید واژه ی «می تواند» شوهر را مجاز دانسته که در صورت عمل به تمکین زن او را به قتل برساند به این دلیل که زن با ارتکاب این عمل مرتکب عمل نامشروع شده و در این حالت وی مستحق قتل است و شوهر خود می تواند تصمیم به قتل وی گرفته و آن را اجرا کند. این حکم با اصل حاکمیت قضایی دولت در تضاد است. بر اساس این اصل هیچ کس نمی تواند به هیچ روی دیگری را مجازات نماید بنابراین در جوامع متمدن کنونی واکنش اجتماعی علیه مجرمان دارای یک ویژگی قضایی است یعنی مجرم هنگامی مجازات می شود که پیشتر به جرم وی در مراجع قضایی رسیدگی شده باشد. در حالی که قانون گذار با اعطا و واگذاری اختیار ضرب و جرح و قتل به شوهر از این اصل عدول کرده و در واقع به مناسبات دوران دادگستری خصوصی بازگشته است. این امر می تواند زمینه و مکان جرم زدایی را فراهم کند. زیرا هم امکان سوء استفاده وجود دارد و هم اینکه بر اساس شرایط و عوامل مختلف جسمی و روانی طرف ها جای مجرم و بزه دیده جا به جا شود. هم چنین این ماده می تواند موجب گسترش خشونت علیه زنان گردد زیرا همانطوری که قبلاً متذکر شده ایم بالا بودن رقم سیاه مجرمیت در خشونت های خانگی آسیب پذیری زنان را در درون خانواده تشدید می کند بدین سان حکم ماده ۶۳۰ بزه دیدگان مناسب جرم را از حمایت محافظ یا مانعی قوی مانند قانون کیفری محروم ساخته و در نتیجه با پایین آمدن هزینه ارتکاب جرم علیه زنان ضریب بزه دیدگی ایشان را بالا برده است. از جمله موارد دیگر، تفاوت در مجازات والدین در صورت قتل فرزندان خود می باشد. طبق قواعد عمومی مربوط به قتل، مجازات قاتل قصاص می باشد در ماده ی ۲۲۰ ملاحظه می شود که پدر در صورت قتل فرزند از مجازات قصاص معاف است ولی در خصوص مادر چنین معافیته وجود ندارد علت این که معافیت در خصوص مادر وجود ندارد به عقیده و نظر مشهور فقهای امامیه در این خصوص بر می گردد. در حالی که در بررسی های صورت گرفته ملاحظه می شود که در آیات قرآن کریم اشاره ای به این موضوع نگردیده و موضوع مشمول عمومات آیات مربوط به قتل و قصاص می باشد حکم ماده برگرفته از روایات وارده از جمله «لایقتل والد بولد» می باشد که فقهای امامیه و عامه هر دو به آن استناد نموده اند اما فقهای عامه کلمه «والد» را شامل پدر و مادر می دانند در حالی که فقهای امامیه آن را فقط شامل پدر می دانند عده ای نیز به عطف و مهر پدری استناد می کنند بدین صورت که عاطفه ی پدر مانع از آن است که پدر عمداً دست به قتل فرزند خود بزند در پاسخ باید گفت این مسئله در مورد مادر نیز صدق می کند و چه بسا عطف و مادی در این خصوص بیشتر از پدر باشد.

از دیگر تفاوت های موجود، در مورد نحوه ی اجرای احکام کیفری در خصوص مردان و زنان است.

مهم ترین این تفاوت ها در نحوه و کیفیت اجرای احکام است که به شرایط فیزیکی و حالت جسمانی که بر زن عارض می شود مربوط می گردد. ویژگی های جسمی متفاوت در زنان ایجاب می کند از نظر اجرای مقررات آیین دادرسی کیفری در بخش اجرای حکم تفاوت هایی وجود داشته باشد. مبنای این تفاوت آن است که اجرای مجازات نباید موجب تشدید وضعیت محکوم علیه شود.

بنابراین در زمان عارض شدن حالت هایی از قبیل حاملگی، یا دوران پیش یا پس از زایمان که زن در حالت نفاس یا استحضه قرار می گیرد، اجرای مجازات به تاخیر می افتد. مقررات دادرسی کیفری ایران در این زمینه با کاستی هایی رو برو است. نخست تأخیر اجرا فقط در مورد مجازات شلاق پذیرفته شده و این امر در مورد مجازات زندان در صورتی که زن حامله باشد پذیرفته نشده است.

نکته‌ی بعدی این است که تاخیر اجرای مجازات شلاق در مورد زنانی که در دوره ی عادت ماهیانه قرار دارند، پذیرفته نشده در حالی که زنان در این دوره همانند دوره استحاضه و یا نفاس دچار ضعف جسمانی هستند و همان فلسفه ای که تاخیر اجرای مجازات را در مورد زنانی که دارای حالت های مزبور هستند ایجاب می کند در مورد زنان حائض نیز ایجاب می کند . در پایان باید گفت به دلیل متغیر بودن نیاز های بشر در زمان و مکان مختلف قانون باید دارای چنان جامعیت و مانعیتی باشد که کلیات آن بتواند در زمان متفاوت کارایی لازم داشته باشد و برای یافتن چنین قانونی تعیین علت هر حکم اهمیت ویژه ای دارد و این مسئله برای بشر که خود در گذر است همیشه قابل پیش بینی نبوده و با استنباط عقلی بشر، در یک دوره یا چند دوره متوالی، نمی تواند به علت احکام دسترسی پیدا کرد بنابراین تلاش نوع بشر برای دست یابی به علت بیان هر قانون کوشش قابل تقدیری است اما صحت آن منوط به تأییدات شرعی می باشد تا از هر نوع خطایی مصون بماند. اما توجه به این نکته نیز لازم است هیچ فکری به صرف این که «کهن» است و هیچ راه و مسیری از آن رو که در گذشته پیموده شده است قداست ندارد. تقدس فقط از آن حقیقت است که فائل شدن به چهارچوب زمانی خاصی برای آن بی معناست.

منابع و مأخذ

- 1- قرآن کریم
- 2- قانون مجازات اسلامی مصوب 1392
- 3- آقای جنت مکان، حسین، حقوق کیفری عمومی، جلد2، چاپ 2، نشر جنگل، تهران، 1391
- 4- اتکینسون، ریئا، زمینه روانشناسی، ترجمه محمدنقی براهنی و دیگران، چاپ 1، انتشارات رشد، تهران 1377
- 5- احمدی موحد، اصغر، اجرای احکام کیفری، چ 1، نشر میزان، تهران، 1383
- 6- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد2، چاپ 5، نشر میزان، تهران، 1382
- 7- اسحاقی، محمد، مجازات پدر و مادر و جرم کشتن فرزند، چاپ 1، نشر سفیر صبح، تهران، 1380
- 8- باهری، محمد، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، چاپ 1، نشر مجد، تهران، 1380
- 9- بروجدی، سید حسین، منابع فقه شیعه، چاپ 1، نشر فرهنگ سبز، تهران، 1387
- 10- بهرامی، بهرام، اجرای احکام کیفری، چاپ 1، نشر نگاه بینه، تهران، 1382
- 11- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ 16، نشر گنج دانش، تهران، 1385
- 12- حاجی ده‌آبادی، احمد، مطالعه تطبیقی در مذاهب اسلامی «قواعد فقه دیات»، چاپ 1، نشر سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، 1384
- 13- حسینی، عباس، حقوق جزا در ایران و اسناد بین‌المللی، چاپ 1، نشر گنج دانش، تهران، 1386
- 14- رستمی تبریزی، لمیاء، جزوه روانشناسی جنایی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، 1389.
- 15- زراعت، عباس، قتل فرزند توسط مادر، اتحادیه کانون‌های وکلای ایران، 1388.
- 16- شکری، رضا و سیروس، قادر، قانون مجازات اسلامی در نظام حقوق کنونی، چاپ 4، نشر مهاجر، تهران، 1384
- 17- شهید ثانی، الممه و دمشقیه، ترجمه علی شیروانی، جلد 13، چاپ 11، نشر انتشارات دارالعلم، قم، 1391
- 18- شهیدی، مهدی، ارث، چاپ 7، انتشارات مجد، تهران، 1387
- 19- گرجی، ابوالقاسم، حدود و تعزیرات و قصاص، چاپ 1، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، 1381
- 20- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، چاپ 9، انتشارات دانشگاه تهران 1382
- 21- گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، چاپ 11، نشر میزان، تهران، 1384
- 22- گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ 9، نشر نی، تهران، 1382
- 23- محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، چاپ 13، انتشارات دانشگاه تهران، 1380
- 24- مسعودی فر، رضا، حدود و نحوه اجرای آن در محاکم قضایی ایران، چاپ 1، انتشارات نسل نوین، تهران، 1386

- 25- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ 49، ناشر صدرا، تهران، 1387
- 26- مهرا، نسرين، زن و حقوق کیفری (مجموعه مقالات)، چاپ 1، ناشر سلسبیل، تهران، 1384
- 27- مهرپور، حسین، مباحث حقوق زن از منظر حقوق داخلی و مبانی فقهی و موازین بین‌المللی، چاپ 2، انتشارات اطلاعات، تهران، 1384
- 28- مهرپور، حسین، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، چاپ 2، انتشارات اطلاعات، تهران، 1384
- 29- مهریزی، مهدی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، چاپ 2، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، 1386
- 30- موسوی، سیدمحمدجواد، فقه استدلالی، ترجمه دکتر سید علی اصغر موسوی، چاپ 1، نشر اقبال، تهران، 1317
- 31- ولیدی، محمدصالح، حقوق جزای عمومی (مسئولیت جزایی مشارکت و مساعدت در جرم)، چاپ 2، دفتر نشر راد، تهران، 1373
- 32- ولیدی، محمدصالح، حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه عفت و حقوق و تکالیف خانوادگی)، چاپ 2، انتشارات امیرکبیر، تهران، 1383